گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۸۵۷۶
چهارشنبه ۲ آذر ۱۴۰۱ ۱۶:۰۴

در یادداشتی موانع رونق سرمایه‌گذاری در تولید بررسی شد؛

دلایل ضرورت اخذ «مالیات بر عایدی سرمایه»

یکی از مهمترین الزامات رونق فعالیت‌های تولیدی و هدایت سرمایه‌ها به سمت آن، کنترل بازارهای موازی و غیرمولد همچون سوداگری ارز، طلا و مسکن است که «مالیات بر عایدی سرمایه» می‌تواند بستر اجرایی آن را فراهم کند.

به گزارش خبرنگاران گروه بورس، بانک و بیمه گزارش خبر، یکی از مهمترین اهداف دولت‌ها در طول سال‌های اخیر، تحقق رونق اقتصادی و کمک به توسعه فعالیت‌های مولد اقتصادی بوده است. بر همین اساس در طول سال‌های اخیر همواره شعار سال نیز به همین مهم اختصاص یافته است. اما رونق تولید یک پیش‌نیاز اساسی دارد و آن نیز تامین منابع مالی مورد نیاز آن است.

سرمایه باید در خدمت تولید باشد

تولید کالا و خدمات با ایجاد ارزش افزوده، اندازه واقعی اقتصاد و ثروت حقیقی ملی را افزایش می‌دهد. در مقابل حبس سرمایه‌ها و سوداگری در فعالیت های غیرمولد نه تنها کمکی به رشد و شکوفایی اقتصاد نمی‌کند، بلکه باعث افزایش فاصله طبقاتی و گسترش فقر و بی‌عدالتی است.

با افزایش تورم، سرمایه‌ها به صورت اسمی و یک جانبه بدون ایجاد ارزش افزوده، به نفع سرمایه‌داران ثروت اضافی تولید می‌کنند و هزینه آن به عموم مردم تحمیل می‌شود. لذا ثروتمندان ثروتمندتر شده و فقرا فقیرتر می گردند. راه حل این مشکل به خدمت گرفتن سرمایه ها در مسیر تولید است.

بازارهای موازی تولید؛ پرسود و کم ریسک

یکی از مشکلات اساسی عدم رونق فعالیت‌های تولیدی در کشور، فراهم نبودن شرایط مناسب فضای کسب وکار و وجود موانع مختلف بر سر راه تولید است، اما در مقابل کسب سود کلان از بازارهای غیرمولد همچون سوداگری ارز و سکه یا خرید و فروش ملک، به سادگی امکان‌پذیر است.

به عبارتی نه تنها تولید در کشور، بسیار پرمخاطره و کم سود است، بلکه فعالیت‌های غیرتولیدی و سوداگرانه نیز سودهای امن و قابل توجهی را در اختیار فعالین قرار می‌دهند. حجم عظیم اسکناس ارز در اختیار سرمایه‌داران و انبوه املاک خالی از سکنه که تنها به منظور کسب سود خرید و فروش می‌شود، نشان از رونق این فعالیت‌های غیرمولد دارد.

هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید چگونه امکان‌پذیر می‌شود؟

نقدینگی برای بخش تولیدی کشور به منزله نیروی محرکه و خون در بدن موجود زنده است؛ از طرفی منابع مالی موجود در اقتصاد محدود است. بنابراین وجود نقدینگی در فعالیت‌های غیرمولد به معنی کمبود منابع مالی در فعالیت‌های تولیدی برای ادامه فعالیت است و لازم است تدابیری از سوی دولت برای هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های تولیدی تدارک دیده شود.

یکی از مهمترین اقدامات در این زمینه، کاهش جذابیت بازارهای غیرمولد است. در واقع هرچند دولت باید از طریق کاهش موانع پیش روی کسب و کارها، به رونق تولید کمک کند، جلوگیری از فعالیت‌های غیرمولد نیز برای این مهم حیاتی است. به طور خاص اغلب فعالیت‌های غیرمولد از محل عایدی سرمایه کسب سود می‌کنند. به این معنی که کالای سرمایه‌ای همچون ارز، طلا، مسکن یا هر کالای سرمایه‌ای دیگری را خریداری می‌کنند و از محل خرید و فروش آن کسب سود می‌کنند. این اقدام هرچند سود اقتصادی قابل توجهی دارد اما یک فعالیت مولد نیست و از ورود سرمایه‌ها به بخش‌های تولیدی جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، کسب سود نامتعارف در بازارهای غیر مولد موجب شده است فعالیت‌های تولیدی نیز برای تامین مالی مجبور باشند سودهای بالا به شبکه بانکی و دیگر سرمایه‌گذاران پرداخت کنند.

چرا اخذ مالیات بر عایدی سرمایه ضروری است؟

بنابراین به منظور حمایت از تولید در برابر فعالیت‌های غیرمولد، لازم است در کنار تسهیل محیط کسب و کار، سود فعالیت‌های غیرمولد نیز کاهش یابد تا به این ترتیب سرمایه‌ها انگیزه بیشتری برای ورود به فعالیت‌های مولد تولیدی داشته باشند.

مهمترین ابزار برای تحقق این مهم، اخذ مالیات بر عایدی سرمایه است. به این ترتیب کسب سود از خرید و فروش کالاهای سرمایه‌ای همچون ارز، طلا، مسکن و خودرو، مشمول اخذ مالیات می‌شود تا انگیزه ورود سرمایه‌ها به این بخش‌ها کاهش یابد. اعمال مالیات بر عایدی سرمایه از اصلی‌ترین راه‌های کاهش سوددهی بازارهای موازی و حمایت از تولید در جهت افزایش رفاه عمومی و ثروت ملی است.